

# جان مایه های معنوی هنر



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

آنچه در پی می آید متن سخنرانی آقای مهندس ابوالقاسم خوشرو معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در مراسم افتتاحیه جشنواره سراسری فرهنگی و هنری دانش آموزان برگزیده کشور است که در تاریخ ۷۵/۵/۸ و در تالار اندیشه ایراد شده است.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بسیار خوشحالم که در اجتماعی ارزشمند و امیدوارکننده از مستعدترین جوانان هنرمند کشور فرصت حضور و گفت و گو می یابم. من پیشاپیش از مسئولان، برگزارکنندگان و شرکت کنندگان دلسوز و سخت کوش این گردهم آیی باشکوه تشکر می کنم و امیدوارم که ثمرات ارزنده چنین کوشش هایی را در آینده نه چندان دور هنر متعهد کشور شاهد باشیم. آنچه بدون تردید همگان بر آن اتفاق دارند ضرورت توجه جدی و بنیادی به قلمرو هنر و فرهنگ و شناخت

توانایی‌ها و استعداد‌های درخشانِ جامعه در این عرصه است. این مهم نه یک واقعیت تحمیل شده بر جامعه، بلکه یک اصل اعتقادی، فرهنگی و تاریخی است که مقتضیات و لوازم زندگی در عصر جدید نیز حتمیت و ضرورت آن را به خوبی به اثبات رسانیده است.

میان «هنر»، «دین»، «اندیشه» و «انسان» هم‌پیوندی و هم‌سرشتی وجود دارد، از این رو در متن هنر اصیل و سازنده می‌توان جان‌مایه‌های دینی و معنوی را دید و متقابلاً در ذات باورها و آداب و مناسک دینی زیباترین جلوه‌های هنری را یافت.

مگر نه این است که آرزوی نهایی یک هنرمند کشف حقیقت و ترسیم زیبایی‌ها و جمال واقعی وجود و طبیعت است و مگر نه این است که هنر زبانی ناگفتنی‌های انسان است در آن‌جا که کلام از گفتن بازمی‌ماند و مگر نه این است که جهان پرراز و رمز هستی واقعیت خویش را به زبانی دین و عرفان بازمی‌گوید؟ پس این واقعیت نیز گفتنی است که میان این خواست و نیاز و هدف هنرمند اصیل و دیانت و معنویت هم‌آوایی و هم‌نوایی پیش می‌آید و هنر در قالب «تمثیل» و «تشبیه» و «نمایش»، «تصویر» و «تجسم»، «نقاشی»، «آهنگ» و «آرا» و «موسیقی»، «شعر» و «کلام» و «خطابه» و عرصه‌ها و زمینه‌های گوناگون هنری دیگر اوج تعالی و نفوذ و بروز خویش را در دامن دین می‌یابد.

پس می‌توان گفت که میان هدف‌های معنوی هنر و پروازهای بلند هنرمندانه به قله‌های بلند هستی و فرز از روزمره‌گی و ابتذال با آرمان‌های والای دینی و هدفدار دیدن هستی و معنی‌داری وجود پیوستگی و تناسب مستحکم و پایداری وجود دارد. هر دو جهان و انسان و زندگی و زمان را دارای رازها و پیچیدگی‌هایی می‌بیند که در چشم اندک‌بین و بی‌توجه نمی‌گنجد. این دریافت هنرمندانه از مسائل هستی و زندگی وقتی به کمال خویش می‌رسد که با زیباترین زبان عرضه و اریه

نیز همراه شود، از این رو به عنوان حرف نخست یابد باور داشت که میان ماهیت و فلسفه هنر واقعی با دین و عرفان و معنویت نوعی همگونی و هماهنگی به وضوح دیده می‌شود. هنر اصیل شکوفایی و بالندگی خود را در بستری از اعتقادات و باورهای مذهبی می‌یابد و دین گستردگی و ماندگاری خود را با درهم‌آمیختگی با هنر دوام و فوam می‌بخشد. برای قبول این واقعیت کافی است به جلوه‌های ماندگار هنر در تاریخ نگاه کنیم تا ببینیم چگونه آن بخش‌هایی از هنر که در زمینه‌های نقاشی و نگارگری، خوش‌نویسی و تذهیب، نمایش و تعزیه، شعر و موسیقی و... با جوهر و روح دین سازگاری و هم‌آوایی یافته‌اند در تاریخ مانده‌اند و به اعماق جامعه راه یافته‌اند. از سوی دیگر خداوند جمیل که آفریننده زیبایی‌ها نیز هست چنان به زیبایی و زیندگی و زاینده‌گی زبان عرضه و قالب پیام اهمیت می‌دهد که می‌بینیم حتی سخن‌گفتن خویش و رابطه با خویش را نیز به زیباترین وجه ممکن درآورده است. قرآن کلام وحی در عین داشتن همه معانی و ویژگی‌های گوناگون یک «معجزه هنری» نیز هست و در ساحت یکایک آیه‌ها و سوره‌هایشان و تلاوت مؤثر و جان‌فزایش شکوه و شیدایی و وزن و آهنگ خاصی نهفته است. زمزمه‌های عارفانه و دعا‌های شبانه بزرگان دین و دلسوختگان حقیقت نیز به راستی زبانی هنرمندانه و سوز و گدازی عاشقانه دارد و این گواهی بر نقش هنر در شناخت پیچیدگی‌های وجود انسانی و انتقال پیام درونی انسان به زبانی برتر از کلام است، پس هنر ارتباطی غیرکلامی میان انسان و خداوند، انسان و طبیعت و انسان و جامعه است.

چنین هنری در جوهر خویش هدف‌دار است و اساساً بازگوکننده زوایایی از زندگی فرد و جامعه است که هیچ زبان و قلمی قدرت تصویر آن را نداشته است. من برای تأکید به همان فرموده معروف امام راحل (ره) تمسک می‌جویم که:

«هنر در مدرسه عشق نشان‌دهنده نقاط کور و مبهم معضلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی است.»

البته به یقین چنین هنری نیازها و دردهای هنرمندان را نیز به طور واقعی پاسخ می‌گوید و ادراک و روان هنرمند را به آرامش و رضایتی درخور توجه می‌رساند، به فرموده مقام معظم رهبری:

«هنر مقصدش انتقال و بیان زیبایی‌ها و مایه انبساط خاطر و تفریح روان و روح است... هنر ابزار است، اگرچه هنرمند به آن مبتهج است و جزء جان اوست، اما برای هدفی است که ریشه در وجود انسان دارد.»

نکته دوم تعهد اجتماعی هنر است، هنر علاوه بر نقش تربیتی که برای بالابردن شناخت و عمق بخشیدن به طرز تلقی انسان از جهان و جامعه و خویش دارد، دارای نقش و کارکردی اجتماعی نیز هست. هنر با قابلیت‌ها و توانایی‌هایی که دارد یک سبک و روش مؤثر در پیام‌رسانی و تبلیغ است و اتفاقاً شیوه‌ی بسیار جذاب و راهگشا و فراگیر است، زبانی است دلنشین و قابل فهم که بر عمیق‌ترین زوایای وجود تأثیر می‌گذارد، بر لوح جان نقش می‌بندد و تا دوردست‌های احساس و درک جامعه را دربر می‌گیرد. این فرموده مقام معظم رهبری در تبیین این ویژگی هنر به اندازه کافی گویاست که:

«هر پیامی، هر دعوتی، هر انقلابی، هر تمدنی و هر فرهنگی تا در قالب هنر ریخته نشود شانس نفوذ و گسترش ندارد»

و

«هنر به عنوان یک نهاد عام انسانی از ساختار یک جامعه پویا و انقلابی منفک نمی‌شود و نیازی اساسی است که باید برآورده شود.»

هنر روایت‌گر دردها و نیازها و فرازها و نشیب‌های یک جامعه است، تصویرگر صادق و گوینده نکته‌دان

لحظه‌های ناخوشی و خوشی جامعه است. هم زبان تاریخ است و هم ناقل فرهنگ، هم گوینده درد است و هم تصویرگر زمان. این رسالت به ویژه برای جامعه‌ی که حامل پیام‌هایی بزرگ است، اهمیتی مضاعف می‌یابد، جامعه ما با پیشینه و پشتوانه‌ی غنی از فرهنگ و تمدن اسلامی حوادثی عظیم را در دل خویش پرورده است، تاریخ معاصر ما از گذرگاه‌هایی گذشته است که هر یک برای عصر و نسلی گفته‌ها دارد. انقلابی عظیم و دینی، دفاعی گسترده و مقدس و مردمی و رنج‌ها و مصایبی بزرگ در کنار حماسه‌ها و مقاومت‌هایی بزرگ‌تر حاصل تجربه یک نسل است که باید به زبان هنر به دیگران منتقل شود و این هم مسئولیت و رسالتی است که به یقین بر دوش هنرمندان جوان و جست‌وجوگر ما به درستی قرار گرفته است.

نکته سوم ویژگی‌ها و مختصات عصر ماست. شرایط خاص جهانی در آغاز قرن بیست و یکم اساساً به هنر و فرهنگ نقش ویژه‌ی داده است. هنر به عنوان زبان گفت‌وگو و انتقال اندیشه در کانون توجهات مختلف سیاسی، فکری و اجتماعی قرار گرفته است، حتی دشمنان اندیشه و انسانیت، هنر و فرهنگ را به عنوان ابزاری برای هجوم و نفوذ خویش برگزیده‌اند و تهاجم فرهنگی با هدف ازمیان‌بردن اصالت، تعهد، خلاقیت و تنوع فرهنگ‌های بومی و چیرگی فرهنگی مسلط، بکنواخت و بی‌هدف معنای خاصی یافته است. در چنین شرایطی ورود به عرصه فرهنگ و هنر با هدف‌هایی معنوی، انقلابی و آرمانی به مانند ورود به جبهه‌ی گسترده برای دفاع از اعتقادات، ارزش‌ها و باورهاست. به طور قطع چنین جبهه‌ی نیز نیازمند سربازانی انگیزه‌مند و تازه‌نفس نظیر شما جوانان مستعد و هنرمند است. من گردهم‌آبی‌هایی از این دست را به منزله طلیعه شکوفایی هنر متعهد و مردمی و نهادمند شدن فعالیت‌های هنری و فرهنگی نسل جوان و متعهد کشور می‌دانم و امیدوارم که از متن تلاش‌هایی

این چنین به برخی نیازهای حیاتی جامعه هنری ما پاسخ مناسب و شایسته داده شود. در اینجا لازم می‌دانم که بعضی از این ضرورت‌ها و نیازها را به‌طور خلاصه یادآوری کنم تا با لطف و یاری خداوند متعال و همت مسئولان دلسوز جمهوری اسلامی و احساس تعهد و درمندی شما جوانه‌های بالنده هرچه زودتر برآورده شود:

۱- ارتقای منزلت اجتماعی هنر در نظام آموزشی کشور و هم‌پیوندی میان فعالیت‌های هنری دانش‌آموزان با متن برنامه‌های تعلیم و تربیت. به نحوی که هنرمندان نه وسیله‌ی برای پرکردن ایام فراغت بلکه ابزاری اساسی برای شکوفایی استعدادها، حل پیچیدگی‌های روحی و تربیتی، پالایش روحی، تقویت بنیان‌های اندیشه و تفکر، زلالی روان و ایمان و به‌طور کلی وسیله‌ی هم‌پای علم و ایمان و عمل تلقی شود.

۲- عرصه هنر در آموزش و پرورش می‌تواند عملاً برجسته‌ترین، متعهدترین و دردمندترین نیروهای نوجوان را جذب و جلب کند و ساخت هنری آینده کشور را بر بنیان مستدین‌ترین، انقلابی‌ترین، فکورترین و مردمی‌ترین هنرمندانی که هنر را نه تفتن بلکه عبادت، مسئولیت و وظیفه می‌دانند بنا کند.

۳- هنرمندان جوان و متعهد عرصه دانش‌آموزی هم‌چنان قهرمانان و سرمایه‌های ملی قدر بینند و در خلال المپیادها و جشنواره‌ها و محافل و فرهنگسراهای عمومی، وسایل ارتباط جمعی و به‌طور کلی عرصه‌های ملی و بین‌المللی امکان عرضه، رقابت و انتقال تجربه را بیابند.

۴- شکوفایی و درخشش هنری و فرهنگی نسل جوان و نوجوان به‌صورتی نهادی شده و از طریق ایجاد کانون‌ها و مراکز مختلف فرهنگی و هنری دانش‌آموزان امکان بروز و ظهور پیدا کند و مقوله

شناخت و آموزش استعدادهای جوان در دستورکار مشترک مراکز مسئول آموزشی، فرهنگی و هنری قرار گیرد.

۵- از شکاف و گسستگی میان نسل‌ها و فاصله آموزشی و هنری میان هنرهای قدیم و جدید کاسته شود و میان شیوه‌ها، نظرهای نوین هنری و منابع و ذخایر عظیم فرهنگی نوعی ارتباط زنده و پویا برقرار شود که توانایی‌های اصیل فرهنگی اسلامی، ایرانی و انقلابی به زبانی روزآمد و جذاب در عرصه هنر درآید.

من مجدداً از مشارکت فعال همه هنرمندان جوان و متعهد و کوشش‌های ارزنده مسئولان محترم آموزش و پرورش نهایت قدردانی و تشکر را دارم.

